

پیامبرانی در مُحاق متون

بررسی تحلیلی - تطبیقی مفهوم و مصادیق اسباط در قرآن و عهدین

علی اسدی*

چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی و بررسی اسنادی به صورت تطبیقی مفهوم «اسباط» را در قرآن و عهدین بررسی می‌کند. دلایل و قرائین متعددی نشان می‌دهد که اغلب دیدگاه‌ها درباره اسباط دریافت‌کننده وحی، به ویژه تطبیق آنان بر پسران دوازده‌گانه حضرت یعقوب^ع ناصواب و ناشی از تحریفات کتاب مقدس و اثرپذیری مفسران مسلمان از آن است. اسباط یادشده، افراد معین و برگزیده‌ای از میان نوادگان حضرت یعقوب^ع بوده‌اند که افزون بر استمرار نژادی، به اعتبار جانشینی آن حضرت، مریدان و پیروان معنوی او نیز به شمار می‌رفته‌اند. این جانشینان و رهبران الهی، پس از حضرت یوسف^ع و پیش از حضرت موسی^ع در مصر و میان بنی‌اسرائیل رسالت داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سبط، اسباط، قبایل، بنی‌اسرائیل، یعقوب، موسی، یوسف.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. دریافت: 88/10/14 - پذیرش: 89/02/15

E-mail: AliAsadiZanjani@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم در موارد متعددی به بازشناسی، تصحیح و احیای برخی آموزه‌ها و مفاهیم توحیدی و نیز حوادث و شخصیت‌های مهم تاریخ ادیان آسمانی پرداخته است که به تدریج در طول تاریخ دچار تحریف و انحراف گشته و یا به فراموشی سپرده شده‌اند. این دگرگونی‌ها، گاه با اثرگذاری بر افکار و اذهان مورخان و مفسران مسلمان و راه‌یابی به منابع حدیثی، تاریخی و تفسیری، عقاید و باورهای آنان را نیز به انحراف کشانده و دگرگون ساخته‌اند. از این‌رو، بررسی مستند و تطبیقی این گونه انحرافات، زمینه‌ها و سیر پیدایش آنها از یک سو، و دستیابی به تعریف و روایتی روشن و درست از آن، بر اساس آیات قرآن کریم از سوی دیگر، ضرورت حیاتی دارد. این مهم می‌تواند هدایت‌گر بودن قرآن را به منصف ظهور رسانده و اثر به‌سزایی در اصلاح عقاید و رفتار مسلمانان و چه بسا پیروان سایر ادیان توحیدی داشته باشد. مفهوم و مصادیق اسباط، که قرآن کریم آنها را در کنار شماری از پیامبران الهی و به‌عنوان دریافت‌کنندگان وحی یاد کرده و از لزوم ایمان به آنان و نفی یهودی و مسیحی بودنشان سخن گفته، یکی از موارد یاد شده است. بررسی منابع تاریخی و تفسیری نشان می‌دهد که، مصادیق اسباط دریافت‌کننده وحی همواره در هاله‌ای از ابهام بوده است. این موضوع چندان به صورت مستقل، تطبیقی و تحلیلی مورد پژوهش قرار نگرفته است. مفسرانی که در ذیل آیات مربوط به صورت بسیار کلی به آن پرداخته‌اند، اغلب در این باره از گزارش‌های عهد عتیق اثر پذیرشده و یا به اختلاف گرائیده‌اند. این نوشتار بر آن است تا ضمن تحلیل و بررسی تطبیقی گزارش‌های کتاب مقدس، قرآن کریم، مفسران، منابع لغوی و احادیث اسلامی، پاسخی نسبتاً روشن درباره هویت، ویژگی‌ها و دوره تاریخی اسباط به دست آورد. معرفی پسران حضرت یعقوب علیه السلام به‌عنوان اسباط و چرایی اختلاف نظر مفسران مسلمان، پرسش‌های دیگری است که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آنهاست.

1. مفهوم شناسی اسباط

فرهنگ‌نویسان عربی و واژه پژوهان قرآنی، «أسباط» را جمع «سَبْط» و دارای ساختار عربی دانسته‌اند، اما عربی یا دخیل بودن سَبْط مورد اختلاف است.

الف. اسباط، واژه‌ای عربی: بسیاری از فرهنگ‌نویسان عربی و نیز شماری از مفسران مسلمان¹ با اعتقاد به عربی بودن واژه «سَبْط»، آن را برگرفته از ریشه «س - ب - ط» دانسته و کاربردها و معانی مختلفی برای آن گفته‌اند. بررسی کاربردهای متفاوت و متعدد این ماده و واژگان برگرفته از آن² و نیز گزارش‌های واژه‌نگاران از معنای آن نشان می‌دهد که، ریشه «س - ب - ط» در اصل به معنای امتداد و انتشار اموری به کار می‌رود که منشأ و ریشه واحدی داشته و امتداد و

انتشار آنها به صورت طبیعی و آسان صورت می‌گیرد.³ کاربرد در مواردی چون موی صاف و آویخته،⁴ باران انبوه،⁵ درختی بلند و پرشاخ و برگ در میان رمل‌ها،⁶ نوادگان و افراد یک نسل⁷ مؤید این معناست. بر همین اساس، گروهی بر این باورند که «سَبَط» به معنای نوه⁸ و بیشتر نوهٔ دختر⁹ و اسباط به معنای نوادگان و نسلی است که همگی مانند شاخه‌های یک درخت، از یک پدر و امتداد او به شمار می‌روند.¹⁰ با توجه به همین معناست که، در صورت اضافه شدن سبط به یهود و بنی‌اسرائیل، معنای قبیله (=گروهی از یک ریشه پدری) برای آن گفته شده است. در تفاوت سبط و قبیله گفته‌اند: اولی در مورد نسل اسحاق و دومی درباره نسل اسماعیل و برای بازشناسی آنها از یکدیگر به کار می‌رود.¹¹ کاربرد سبط به معنای گروه و جماعت در برخی احادیث¹² مؤید معنای اخیر است.

در این میان، برخی واژه‌نگاران، «سبط» را به معنای فرزند و نواده برخوردار از جایگاهی ویژه در میان یک نسل پدری نیز دانسته‌اند.¹³ این معنا به رغم نادر بودن، هماهنگی قابل توجهی با موارد کاربرد نخستین سبط در عهد عتیق، ظاهر آیات مربوط، و نیز احادیث اسلامی دارد.

ب. اسباط، واژه‌ای دخیل: جلال‌الدین سیوطی در کتاب *المتوکلی*، «سبط» را از واژگان دخیل و عبری و در *الاتقان* از مُبهمات قرآن می‌داند.¹⁴ همچنین برخی خاورشناسان بر این باورند که، واژه یادشده پس از ورود به زبان عربی، بر اساس قواعد آن جمع بسته شده است. با این تفاوت که، برخی آن را عبری و برگرفته از «شَبَط» به معنای «عصا» یا «جماعتی که رئیسی با عصا آنان را رهبری می‌کند» و برخی دیگر سریانی می‌دانند.¹⁵ آرتور جفری، معتقد است که ریشه اصلی این واژه، عبری است. وی شمار قابل توجهی از پژوهشگران اروپایی را یاد می‌کند که با اعتقاد به وامگیری مستقیم «سبط» از زبان عبری، برای آن دلیل و حجت آورده‌اند.¹⁶ گزارش این دسته از پژوهشگران درباره وجود واژگانی بسیار نزدیک به سبط در زبان‌های آرامی (شَبَط = زدن، سبایی (س ب ط = عصا زدن)، آشوری (شَبَط و شَباطو = زدن، شکست دادن)، عبری (شَبَط و شَباط = عصا زدن) و نمونه‌هایی از همین دست در دیگر زبان‌های سامی - حامی، در کنار کاربرد فراوان آن در عهد عتیق و نبود شاهد مستندی درباره کاربرد آن در اشعار عربی پیش از اسلام، می‌تواند مؤیدی بر معرّب بودن سَبَط باشد.¹⁷ از سوی دیگر، یاد کرد قرآن از اسباط در کنار نام‌هایی چون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، موسی، عیسی ﷺ و... (بقره: 136، 140 / نساء: 163)، که همه عبری و کاملاً برای اهل کتاب آشناست، می‌تواند مؤید دیگری بر دخیل و معرّب بودن سبط و آشنایی کامل اهل کتاب با آن و نیز مصادیق اسباط باشد.

مفهوم اصطلاحی: اسباط در منابع تفسیری¹⁸، تاریخی¹⁹ و نظایر آن، اغلب به معنای قبایل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل آمده است، بر این اساس، تعداد پسران دوازده‌گانه حضرت یعقوب ﷺ، به عنوان نیاکان نخست بنی‌اسرائیل و با نام آنها، دسته‌بندی شده‌اند.

2. پیشینه پژوهش

مفهوم‌شناسی، مصادیق و پیامبری اسباط، همچنین تاریخ و تحولات زندگی دینی و سیاسی آنان، با بیان‌های متفاوت در اغلب منابع لغوی، تفسیری، تاریخی و داستانی مسلمانان آمده است. در میان منابع لغوی، *لسان العرب* نسبتاً مفهوم‌شناسی مبسوطی درباره سبط و اسباط ارائه کرده است.²⁰ نویسنده *التحقیق* پس از گزارش اقوال بسیاری از لغت‌شناسان و نیز فرازهایی از کتاب مقدس و قاموس آن، تلاش کرده است تا معنای واحدی از همه کاربردهای مختلف اسباط در قرآن را ارائه دهد.²¹ آرتور جفری با اعتقاد به این‌که اسباط همیشه اشاره به بنی‌اسرائیل دارد، گمان کرده است که قرآن کریم با کاربرد اسباط به معنای قبایل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل (اعراف: 160) از یک سو، و یادکرد آنان به عنوان دریافت‌کنندگان وحی (بقره: 136، 140) از سوی دیگر، انبیای صغاری را که یهودیان آنها را دوازده تن می‌شمارند، با دوازده سبط بنی‌اسرائیل در هم آمیخته است. وی ضمن جالب خواندن تلاش فرهنگ‌نویسان عربی در ارائه ریشه و تبار عربی برای اسباط، آن را قانع‌کننده نمی‌داند. و با گزارش دیدگاه متفاوت شماری از خاورشناسان، دخیل بودن واژه «سبط» و جمع بسته شدن آن را براساس قواعد عربی برمی‌گزیند.²²

در میان مفسران، طبری، طوسی و طبرسی در کنار بحث‌های واژه‌شناختی نسبتاً مفصلی درباره مصادیق اسباط، نیاکان، سران و رهبران، تاریخ و تحولات زندگی سیاسی و دینی و دلایل اعتقاد به نبوت آنان، دیدگاه‌های مختلفی را گزارش و بررسی کرده‌اند.²³ از میان منابع تاریخی و داستانی نیز تاریخ یعقوبی،²⁴ طبری،²⁵ مروج الذهب²⁶ و مع‌الانبیاء،²⁷ اغلب با اثرپذیری از گزارش‌های کتاب مقدس، درباره فرزندان یعقوب علیه السلام، قبایل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل و رهبران، پادشاهان و پیامبران آنها به بحث و بررسی پرداخته‌اند. منابع مزبور، مباحث یاد شده را در تاریخ انبیا آورده‌اند.

با توجه به اینکه مفسران و مورخان مسلمان در تعیین مصداق اسباط دریافت‌کننده وحی، دچار اختلاف شده و شماری از آنها با اثرپذیری از گزارش‌های عهد قدیم به توجیه ظاهر آیات پرداخته‌اند، پیش از بررسی دیدگاه قرآن کریم و مفسران درباره اسباط، به بررسی دیدگاه عهدین در این باره می‌پردازیم تا میزان سازگاری آن با آیات قرآن و نیز اثرپذیری منابع تفسیری از آن روشن گردد.

3. اسباط در عهدین

عهد عتیق، تاریخ زندگی فرزندان یعقوب و قبایل پدید آمده از آنان را، که به اسباط دوازده‌گانه شهره‌اند، به تفصیل بیان کرده است. بر پایه این گزارش، پسران دوازده‌گانه حضرت یعقوب علیه السلام، از چهار همسر وی به دنیا آمدند. حضرت یعقوب علیه السلام برای ازدواج با راحیل، 7 سال پدر وی، لابان را

خدمت کرد. اما لابان با فریب و نیرنگ، او را وادار ساخت که با «لیه» خواهر بزرگ‌تر راحیل ازدواج کند. حضرت یعقوب علیه السلام از همسر خود صاحب شش پسر به نام‌های رَعُوبُن، شِمْعُون، لِيُوی، يَهُوداه، زَبُولُون، يَسَّاکار شد. از سوی دیگر، یعقوب علیه السلام در برابر خدمت به لابان به مدت هفت سال دیگر، راحیل را نیز به همسری خود درآورد. راحیل به سبب نازا بودن، کنیزش، بلهه را به شوهر خود داد تا برای او فرزندی به دنیا آورد. بلهه، دان و نَفْتَالِي را برای یعقوب علیه السلام به دنیا آورد. لیه خواهر بزرگ‌تر برای حفظ جایگاه خود در نزد شوهرش، کنیز خود زَلْفَه را در اختیار وی قرار داد. یعقوب علیه السلام از زلفه نیز صاحب دو فرزند به نام‌های گاد و آشیر شد. و سرانجام نازایی راحیل از میان رفت و او نیز یُوسُف و بنیامین را برای شوهرش به دنیا آورد.²⁸

عهد عتیق (ترجمه فارسی و عربی)، پس از گزارش وصیت‌های یعقوب به پسرانش در زمان مرگ، در کنار بیان نام و تصویری از شخصیت هر یک از آنها از زبان یعقوب علیه السلام، آنان را دوازده سبط اسرائیل (یعقوب) ²⁹ می‌خواند. ³⁰ با توجه به اینکه در موارد متعددی از این افراد با عنوان «پسران یعقوب علیه السلام» یاد شده است ³¹ و فقط در اینجا، آن هم پس از بیان وصیت‌های یعقوب علیه السلام، با عنوان «اسباط» معرفی می‌شوند، شاید بتوان گفت که در این کاربرد، «سبط» به معنای وصی و جانشین برگزیده و موعود برای یعقوب علیه السلام است، اما وصیت‌های ویژه یعقوب به یوسف پیش از دیگران ³² و داستان خواب یوسف مبنی بر سجده برادران در برابر او ³³ (یوسف: 4 - 6) فقط جانشینی یوسف علیه السلام را می‌رساند. تورات نیز که تصویر آن از برادران یوسف علیه السلام - به جز بنیامین - به مراتب تیره‌تر از سیمای آنان در قرآن است ^{34, 35}، هیچ اشاره‌ای به نبوت آنها نمی‌کند.

نسل هر یک از پسران یعقوب علیه السلام نیز به علاوه به اسم هر یک از آنها، در جای جای عهد عتیق (ترجمه فارسی و عربی) با نام «سَبِط» خوانده شده‌اند. ³⁶ در این کاربرد، هر سبطی متشکل از قبایل متعددی بوده و در معرفی و شناخت هویت افراد و گروه‌ها به کار می‌رود. ³⁷ از میان اولاد برادران، دو فرزند یوسف، به نام‌های مَنَسِي و أَفْرَائِيم، هر کدام برای خود قبیله‌ای تشکیل دادند. ³⁸ بدین‌سان، بنی‌یوسف خود به دو سبط بنی‌منسی و بنی‌افرائیم تقسیم شدند. این دو سبط، در کنار یازده سبط یعقوب، جمعاً سیزده سبط را پدید آوردند. پس از گذشت زمان و توالی نسل‌ها از هر کدام اینان، قبایلی به وجود آمد و آنان «اسباط بنی‌اسرائیل» یا «بنی‌اسرائیل» خوانده شدند.

از گزارش تورات برمی‌آید که نوادگان یعقوب علیه السلام، پیش از افزایش پرمارشان، بیشتر با نام «بنی‌اسرائیل» خوانده می‌شدند. ³⁹ اما پس از خروج از مصر و بیشتر برای ساماندهی نظامی جنگ‌جویان و بر اساس انتساب به یکی از پسران یعقوب، به اسباط دوازده‌گانه تقسیم شدند. ⁴⁰ (اعراف: 160) سَبِط لِيُوی، که به سبب ارائه خدمات دینی در معبد، معاش آن به وسیله

سبط‌های دیگر تأمین می‌شد، جزو اسباط دوازده‌گانه به شمار نرفته⁴¹ و به جای آن، سِبْطِ إِفْرَیْمَ و مِئْسَهُ (دو پسر یوسف علیه السلام) قرار داشتند.⁴²

اسباط دوازده‌گانه، که با گذشت زمان پرشمار می‌شدند، با تقسیم سرزمین موعود میان خود⁴³ هر یک دارای رئیس و مستقل شده⁴⁴ و با حفظ ارتباط،⁴⁵ تا زمان مرگ سلیمان علیه السلام، در سرزمین واحدی می‌زیستند. اما پس از مرگ وی، دشمنی میان سبط یهودا و افریم، به تجزیه سرزمین به دو بخش منجر شد.⁴⁶ سبط یهودا و بنیامین با پیوستن به رَحْبَعَام، فرزند سلیمان علیه السلام، بخش جنوبی سرزمین را «کشور یهودا» و اسباط ده‌گانه دیگر با پیوستن به یارُبَعَام پسر نِیاط، بخش شمالی را «اسرائیل» نام نهادند.⁴⁷

گزارش عهدین از حضور پررنگ و نمادین اسباط و شمار دوازده‌گانه آنها در فرهنگ و حیات دینی یهود، از جایگاه ممتاز آنان در نزد یهودیان خبر می‌دهد. مواردی چون قطعه سنگ‌های گرانها و منقش به نام دوازده سبط بنی‌اسرائیل در سینه بند هارون⁴⁸ و لباس رسمی کاهن بزرگ به نشان نیابت از آنان،⁴⁹ جاسوسان گسیل شده از سوی حضرت موسی علیه السلام به کنعان⁵⁰ (مائتد : 12)، انبیای صغار پس از موسی علیه السلام، انواع هدیه و قربانی برای خدا⁵¹، وکلای سلیمان⁵² و مجسمه‌های شیر بر روی پله‌های شش‌گانه تخت وی،⁵³ حتی مدت زمان زینت زنان⁵⁴ و جز آن⁵⁵، عدد دوازده داشته‌اند. چنانکه این عدد اساس دسته‌بندی تیره‌ها، قبایل و عشیره‌های بنی‌اسرائیل، مورد توجه در پیدایش پسران⁵⁶ و مبنای نظام شمارشی بابلیان بوده است.⁵⁷

در عهد جدید نیز دوازده رسول برگزیده حضرت عیسی علیه السلام،⁵⁸ دوازده‌های دوازده‌گانه اورشلیم جدید با سر در منقش به نام اسباط اسرائیل⁵⁹ و تقسیم رؤیاهای آسمانی به دوازده قسم از سوی یوحنا⁶⁰ و جز آن⁶¹ عدد دوازده دارد. عهد جدید غالباً دوازده حواری حضرت عیسی علیه السلام را در مقابل اسباط بنی‌اسرائیل قرار داده است. چنانکه بر اساس وعده عیسی علیه السلام به هنگام رستاخیز، داوری دوازده سبط بنی‌اسرائیل بر عهده دوازده حواری وی خواهد بود.⁶² در حالی که مسیح علیه السلام خود، از سبط یهودا شمرده شده است.⁶³

4. اسباط در قرآن و تفاسیر

واژه «اسباط» پنج بار در پنج آیه از چهار سوره قرآن آمده است. در آیه 160 اعراف، که به صورت نکره آمده، مراد از آن تیره‌ها و گروه‌های دوازده‌گانه قوم موسی علیه السلام است. اما در موارد دیگر، اسباط دارای «ال» تعریف بوده و از آنها به عنوان دریافت کنندگان وحی و لزوم ایمان به آنان یاد و بر نفی یهودی و نصرانی بودنشان تصریح شده است. ظاهر آیات، به ویژه نام بردن از آنها در کنار افرادی که همه از انبیای الهی هستند، نشان می‌دهد که آنها پیامبر بودند. همچنین بر اساس ترتیب یادکرد آنها، می‌توان گفت که اسباط در دوره تاریخی

پس از حضرت یعقوب علیه السلام و پیش از حضرت موسی علیه السلام می‌زیسته‌اند. (بقره: 136، 140 / آل عمران: 84 / نساء: 163)

1. قبایل دوازده‌گانه بنی اسرائیل: قرآن کریم در آیه 160 سوره اعراف، با اشاره به تقسیم قوم موسی علیه السلام به دوازده گروه، آن را به عنوان یکی از نعمت‌های خداوند به بنی اسرائیل یاد می‌کند⁶⁴: «وَقَطَعْنَهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا...». بیشتر مفسران، «أسباطاً» را به سبب جمع بودن، بدل از «اثنتی عشره»، تمیز آن را «فرقه» (در تقدیر) و «أمماً» را صفت «أسباطاً» یا حال از آن دانسته‌اند؛⁶⁵ یعنی هریک از اسباط، خود چندین دسته و گروه بسیار بزرگ و پرشمار بوده‌اند.⁶⁶ برخی نیز آن را تمیز و به منزله مفرد دانسته‌اند.⁶⁷ این دسته‌بندی بر اساس انتساب قبایل بنی اسرائیل به پسران دوازده‌گانه یعقوب علیه السلام (یوسف: 4) صورت گرفته بود.⁶⁸ چنانکه از بخش بعدی آیه نیز برمی‌آید، مفسران سبب دسته‌بندی یاد شده را که بنا بر ظاهر آیه در زمان حضرت موسی علیه السلام و هنگام آوارگی بنی اسرائیل در بیابان‌های اطراف سرزمین مقدس روی داده است،⁶⁹ تسهیل در اداره امور آنان و پیشگیری از اختلاف بر سر آب، غذا و... می‌دانند.⁷⁰ اداره هر یک از اسباط به وسیله رئیس آن، رهبری قوم را برای حضرت موسی علیه السلام آسان می‌کرد.⁷¹ برخی مفسران در ذیل آیات مربوط به شکافته شدن دریا برای بنی اسرائیل، از باز شدن دوازده راه جداگانه به تعداد اسباط سخن گفته‌اند.⁷² ولی چنانکه گذشت، ظاهر آیه 160 اعراف و آیات پس از آن نشان می‌دهد که، دسته بندی یاد شده پس از پشت سر نهادن دریا و در بیابان انجام گرفته است.

قرآن در ادامه با شمردن سایر نعمت‌های الهی، بر اسباط (قبایل دوازده‌گانه)، همانند دوازده چشمه به تعداد آنان، سایبانی از ابر، من و سلوی، اجازه سکونت در بیت المقدس، بهره‌مندی از مواهب آن و آمرزش گناهان به شرط فرمان‌برداری از خداوند (اعراف: 160-161) یاد می‌کند و اینکه چگونه گروهی از آنان، به رغم همه نعمت‌های یاد شده، دست به نافرمانی، ستمگری و تحریف کلام الهی زده و گرفتار عذاب شدند. (اعراف: 160، 162)

2. اسباط دریافت کننده وحی: قرآن کریم، با اشاره به افراد معینی به وسیله لفظ معرفه «الاسباط» از نزول وحی بر آنان، لزوم ایمان مسلمانان به آنها سخن گفته و یهودی و نصرانی بودن آنان را نفی می‌کند.

2/1. نزول وحی بر اسباط: در آیه 163 سوره نساء از نزول وحی بر اسباط، همانند شماری از پیامبران بزرگ، یاد شده است: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا».

این آیه در ادامه گزارش قرآن پیرامون فرازهایی از تاریخ شرک‌آلود و کفرآمیز حیات دینی یهود، به ویژه چگونگی برخورد آنان با انبیا آمده است. بر اساس این آیات، اهل کتاب با ابراز ایمان نسبت به پیامبران گذشته و انکار پیامبر اسلام، میان آنان تفاوت قائل شدند. ولی قرآن کریم بعثت پیامبر اکرم ﷺ و نزول کتاب آسمانی بر او را دارای پیشینه، استمرار حرکت پیامبران گذشته و ماهیتی یکسان با رسالت آنان می‌خواند.⁷³

شأن نزول و چگونگی ارتباط آیه 163 نساء با آیات پیشین مورد اختلاف است. بر اساس تفسیر ابن عباس، آیه در احتجاج با یهود نازل شده است؛ چرا که آنان با اعتقاد به نزول تدریجی تورات از پیامبر اکرم ﷺ خواستند تا کتابی همانند آن، به عنوان گواه صدق نبوت خویش بیاورد. قرآن با گزارش نمونه‌هایی از برخورد ناشایست آنان در برخورد با آیات الهی و پیامبران خویش، درخواست مزبور را بهانه‌جویی و از سر لجاجت و عناد می‌خواند. (نساء: 153 - 161) و هنگامی که یهودیان در واکنش به این افشاگری، نزول وحی پس از موسی ﷺ را انکار کردند، خداوند با یادآوری نزول وحی بر شماری از انبیا، از جمله اسباط، ادعای آنها را تکذیب کرد.⁷⁴ بر این اساس، آیه 163 سوره نساء، در پاسخی دیگر به برخورد اهل کتاب با پیامبر اسلام ﷺ، نزول وحی بر آن حضرت را استمرار حرکت همه انبیای گذشته، (نساء: 164 - 165) از جمله پیامبران یاد شده، که مورد تأیید اهل کتابند، دانسته و آنها را، به رغم همه تفاوت‌ها، دارای هویت و هدفی واحد می‌خواند (نساء: 164 - 165).

علامه طباطبائی در دیدگاهی کاملاً متفاوت، آیه مورد بحث را فقط با آیه پیش از خود مرتبط، و آن را بیانگر علت ایمان راسخان در علم و مؤمنان اهل کتاب به پیامبر اسلام ﷺ و قرآن دانسته است. (نساء: 162)، با این توضیح که، چون آنها با توجه به آشنایی خویش با نزول وحی بر پیامبران یاد شده می‌دانستند که بعثت پیامبر اسلام ﷺ و نزول قرآن بر وی، ادامه همان حرکت است و امری شگفت و بی‌سابقه نیست، به وی ایمان آوردند.⁷⁵ به هر حال، آیه مورد بحث، بسیار صریح و روشن، اسباط را در کنار کسانی یاد می‌کند که همه آنها بدون استثنا از پیامبران الهی بودند و وحی بر آنان نازل شده است.

2/2. لزوم ایمان به اسباط: تأمل در برخی آیات،⁷⁶ به ویژه مقایسه آن با پاره‌ای از گزارش‌های تورات⁷⁷ نشان می‌دهد که، هر یک از یهود و نصارا با پیوند هویت دینی و نژادی خویش به ابراهیم ﷺ (از طریق اسباط ← یعقوب ← اسحاق)، خود را وارث همه وعده‌های خداوند به وی، همچنین فرزند و حبیب خدا (مائده: 18) پنداشته و با افتخار به آن، (بقره: 140؛ آل عمران: 67) هدایت و حق ورود به بهشت را فقط در گرو یهودی و نصرانی شدن می‌دانستند. (بقره: 111، 135). آنان بر همین اساس خود را از ایمان آوردن به پیامبر اسلام و قرآن بی‌نیاز دانسته و بین پیامبران الهی تبعیض قائل می‌شدند. قرآن کریم در نقد این رویکرد، با تأکید بر لزوم

ایمان مسلمانان به قرآن کریم و پیامبر اسلام ﷺ در کنار ایمان به همه انبیای الهی از جمله اسباط، بر عدم تفاوت میان پیامبران الهی و آموزه‌های نازل شده بر آنان تصریح می‌کند: «قولوا ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ». (بقره: 136 و آل عمران: 84) قرآن که با نگرشی فراتر از زمان، مکان و نژاد، چنین ایمانی را «اسلام» (آل عمران: 84 - 85)، «مایه حتمی هدایت» (بقره: 137)، «دین حنیف ابراهیم» (بقره: 135) می‌داند با گزارش بخش‌های ویژه‌ای از کارها و سخنان پیامبران یادشده، افزون بر تنزیه آنان از باورهای شرک‌آلود و کفرآمیز یهود و نصارا، بر هویت واحد و توحیدی دین آنان، که همان دین حنیف ابراهیم است، تصریح می‌کند.⁷⁸ از دیدگاه قرآن کریم اگر کسی دین و آیینی غیر از این را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود (آل عمران: 85).

2/3- نفی یهودی و نصرانی بودن اسباط: قرآن کریم در کنار گزارش یکی از باورهای مهم اهل کتاب درباره هویت دینی، شماری از پیامبران پیشین، به ویژه ابراهیم ﷺ، آن را به چالش کشیده⁷⁹ و با معرفی «ارسال رسل و انزال کتب» به عنوان یک حرکت توحیدی واحد (نساء: 163)، نگرش قوم‌گرایانه و انحصارطلبانه به تاریخ انبیا و دین ابراهیم ﷺ را رد می‌کند. (بقره: 140) توضیح اینکه، هر یک از یهود و نصارا ادعا می‌کردند که ابراهیم ﷺ، اسماعیل ﷺ... و اسباط، پیرو دین آنان بودند. قرآن کریم، با رد صریح یهودی و نصرانی بودن انبیای یاد شده، اهل کتاب را به سبب تحریف و کتمان حقایق در این باره، ستمگر می‌خواند: «أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا يَهُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللّٰهُ...». (بقره: 140)

2/4 مصادیق اسباط دریافت کننده وحی: کاربرد اسباط در قرآن به معنای تیره‌ها و گروه‌های دوازده‌گانه قوم موسی ﷺ و نیز به عنوان دریافت کنندگان وحی از یک سو، و خلط میان این دو و نیز اثرپذیری شمار قابل توجهی از منابع تاریخی،⁸⁰ تفسیری⁸¹ و نیز برخی منابع حدیثی⁸² مسلمانان از گزارش‌های عهد عتیق از سوی دیگر، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی را درباره معنای لغوی سبط و مصادیق اسباط دریافت کننده وحی پدید آورده است. چنانکه شماری از دانشمندان شیعه⁸³ و سنی⁸⁴ نیز برداشت و بعد توجیه کرده‌اند. تصریح آیه 163 سوره نساء، مبنی بر وحی بر اسباط، قرار گرفتن نام آنها در کنار پیامبران یادشده در آیات و نیز لزوم ایمان به آنها در رد تبعیض بین انبیای الهی، پیامبر بودن آنان را می‌رساند. در این باره چهار نظریه وجود دارد:

الف. پسران دوازده‌گانه یعقوب: مشهور⁸⁵ مفسران اهل سنت به پیروی از مفسران نخستینی چون قتاده، سدی و محمد ابن اسحاق، اسباط دریافت کننده وحی را همان پسران دوازده‌گانه یعقوب ﷺ دانسته‌اند.⁸⁶ این دیدگاه، به سبب تصویر ارائه شده از برادران یوسف ﷺ در قرآن، از سوی مفسران شیعه⁸⁷ و برخی دیگر از اهل سنت⁸⁸ رد شده است. این دسته از مفسران، که بر

اساس دلایلی از کتاب، سنت و عقل معتقد به عصمت انبیا علیهم السلام حتی پیش از بلوغ و نبوت هستند، شخصیت فکری و رفتاری ارائه شده از برادران یوسف علیه السلام را با عصمت ناسازگار خوانده‌اند. توضیح اینکه، قرآن اموری چون حسادت نسبت به یوسف علیه السلام، دسیسه برای کشتن وی، اتفاق نظر برای به چاه افکندن او، دروغگویی و صحنه‌سازی برای فریب پدر و گمراه خواندن او، فروختن یوسف علیه السلام و اتهام دزدی به وی، اعتراف به گناه و طلب مغفرت الاهی را به آنها نسبت می‌دهد.⁸⁹ در حالی که، چنین مسائلی و رفتارهایی از ساحت انبیا الاهی به دور بوده و با عصمت آنان سازگار نیست.

برخی از مفسران معتقد به این نظریه، در واکنش به چالش یاد شده، با اعتقاد به پیامبری و اسباط بودن پسران یعقوب و برای تنزیه آنان، امور یاد شده را گناه صغیره یا مربوط به پیش از بلوغ و نبوت دانسته‌اند.⁹⁰ این پاسخ از سوی شماری از مفسران گروه مقابل و با استناد به آیات 9 و 97 سوره یوسف رد شده است.⁹¹ این آیات تصمیم برادران یوسف علیه السلام برای کشتن یا افکندن وی به درون چاه، اعتراف آنان به گناه خویش و درخواستشان از پدر برای طلب آمرزش برای آنان را گزارش می‌کند. این امور بر گناهکاری آنان دلالت کرده و صغیره بودن گناه آنان و یا مربوط بودن آن به زمان پیش از بلوغ را رد می‌کند.

عالمانی چون شریف مرتضی (م. 436 ق.)، شیخ طوسی (م. 460 ق.) و طبرسی (م. 546 ق.) در عین پذیرش اسباط بودن پسران یعقوب علیه السلام، گفته‌اند که وحی فقط بر برخی از آنان - که در امور یاد شده دخیل نبودند - نازل شده بود. این گروه از مفسران، سبب نسبت نزول وحی بر همه اسباط را موظف بودن همه آنان به پیروی از وحی دانسته‌اند.⁹² اما این دیدگاه نیز همانند دیدگاه گروه نخست از مفسران اهل سنت، با چالش‌های جدی مواجه است؛ چرا که با مواردی مانند ظاهر آیات یاد شده که از نزول وحی بر همه اسباط و لزوم ایمان به همه آنان حکایت می‌کند، سازگار نیست. همچنین صریح نبودن واژه «اسباط» در برادران یوسف علیه السلام، عدم یاد کرد قرآن از آنها به عنوان پیامبر در آیات دیگر⁹⁴ و انتساب رفتارهای یاد شده درباره حضرت یوسف علیه السلام به همه آنان، به جز بنیامین، از چالش‌های پیش‌روی این نظریه است. مهم‌تر از همه، اگر آنان مراد بودند، تعبیر «یعقوب و بنیه» (بقره: 132 - 133) رساتر و روشن‌تر بود.⁹⁵ پندار پیامبری برادران یوسف علیه السلام، که متأثر از اطلاق اسباط بر آنان در تورات و تطبیق آنها بر اسباط دریافت‌کننده وحی، پدید آمده، در احادیث اسلامی نیز رد شده است.⁹⁶

ب. قبایل دوازده‌گانه بنی اسرائیل: مفسرانی که اسباط دریافت‌کننده وحی را کسانی غیر از برادران یوسف علیه السلام دانسته‌اند نیز در تعیین مصداق آن، به اختلاف گراییده‌اند. در این میان، مفسرانی مانند زمخشری (د. 538 ق.) و فخر رازی (د. 606 ق.)، که آنها را بر همان گروه‌های

دوازده‌گانه قوم موسی علیه السلام (اعراف: 160) تطبیق کرده‌اند، در توضیح نسبت نزول وحی به همه آنها، سبب آن را برانگیخته شدن پیامبرانی از میان آنان دانسته⁹⁷ یا بدون هرگونه توضیح و تعیین، آن را نوادگان یعقوب و نسل پسران وی تفسیر کرده‌اند.⁹⁸ این دیدگاه نیز با چالش‌های جدی روبرو است. ظاهر آیات مورد بحث، وجود «ال» تعریف در اسباط، برداشت عموم مفسران و نیز نسبت «ظلم» و «فسق»ی که قرآن به اسباط قوم موسی علیه السلام می‌دهد، از مواردی است که با دیدگاه یاد شده سازگاری ندارد. (اعراف: 160، 162 - 163) مهم‌تر از همه این که قرآن کریم، یهودی و نصرانی بودن اسباط دریافت‌کننده وحی را نفی کرده است، (بقره: 140) در حالی که، اسباط دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل، همگی یهودی و پیرو دین حضرت موسی علیه السلام بودند.

ج. همه پیامبران مبعوث شده از نسل ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب علیهم السلام: نویسنده «التحقیق»، پس از گزارش اقوال بسیاری از لغت‌شناسان و نیز فرازهایی از کتاب مقدس و قاموس آن، تلاش کرده است تا معنای واحدی از همه کاربردهای مختلف اسباط در قرآن ارائه دهد. بر همین اساس، وی اسباط را به معنای «مطلق نسل و نوادگان ابراهیم، اسماعیل و اسحاق»، به ویژه یعقوب و نیز همه پیامبران مبعوث شده از میان آنان دانسته است. از نظر وی اسباط تقریباً معادل «بنی‌اسرائیل» است.⁹⁹

مرحوم علامه طباطبائی، اسباط را بر پیامبرانی چون داود، سلیمان، یونس، ایوب و... تطبیق کرده است، پیامبرانی که پس از موسی علیه السلام و از میان بنی‌اسرائیل برانگیخته شدند.¹⁰⁰ همچنین برخی با افزودن حضرت یوسف، موسی و عیسی علیهم السلام، اسباط را پیامبرانی از نسل حضرت اسحاق و یعقوب علیهم السلام، نیز دانسته‌اند.¹⁰¹ این دیدگاه‌های نزدیک به هم با آیات مربوط سازگار نیست؛ زیرا در آیات 163 - 164 سوره نساء، پس از ذکر اسباط، از عیسی، ایوب، یونس، هارون، سلیمان، داوود و موسی علیهم السلام نیز یاد می‌کند.

د. علم خاص: بررسی منابع تاریخی و رجالی نشان می‌دهد که به احتمال بسیار زیاد در این باره نظر دیگری نیز وجود داشته است. بر اساس این دیدگاه، اسباط همانند نام‌های دیگری چون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و جز آنها، که در کنار آن یاد شده‌اند، غلم برای فرد معینی تلقی شده است. به احتمال زیاد، بر همین اساس است که مسلمانان پس از آشنایی با این واژه قرآنی و بدون توجه به صورت جمع اسباط، آن را به عنوان غلم شخصی به کار برده، گاه فرزندان خود را اسباط نام نهاده‌اند.¹⁰²

5. اسباط در احادیث اسلامی: اسباط و مصادیق و جنبه‌های گوناگون آن و اغلب به صورت جزئی‌تر و روشن‌تر در برخی احادیث منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم شیعه علیهم السلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. این احادیث، که می‌توانند در به دست دادن مفهومی روشن‌تر از اسباط و

تعیین مصادیق اسباط دریافت کننده وحی کمک کنند، مورد توجه مفسران نیز قرار گرفته‌اند. در پاره‌ای از این احادیث، وجود دو سبط برای هر پیامبری پس از وصی وی،¹⁰³ برتری اسباط پیامبران نسبت به مردمان دیگر در نزد خدا پس از انبیا و اوصیا،¹⁰⁴ همچنین شهادت شمار فراوانی از اسباط به همراه ده‌ها پیامبر و وصی در طول تاریخ و در سرزمین کربلا¹⁰⁵ گزارش شده است. چنانکه در کاربردی نسبتاً گسترده درباره امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و در پی مقایسه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علی علیه‌السلام با دیگر انبیا و اوصیا، آن دو، سرور¹⁰⁶، برترین¹⁰⁷، بهترین¹⁰⁸ و خاتم اسباط¹⁰⁹ و نیز دو سبط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (110) خوانده شده‌اند.¹¹¹ همچنین اسباط دریافت کننده وحی، دوازده تن¹¹² و از میان نوادگان یعقوب علیه‌السلام¹¹³ معرفی شده‌اند.

6. دیدگاه برگزیده: بر اساس گزارش‌های هر چند متفاوت تورات و قرآن، حضرت ابراهیم علیه‌السلام

در سنین کهنسالی از نبود فرزندی که وارث وی باشد، اندوهناک بود. از این‌رو، خداوند به وی وعده تولد اسماعیل علیه‌السلام و سپس اسحاق علیه‌السلام و جانشینی آنان را داد¹¹⁴ و اینکه نسل وی از طریق آن دو گسترش یافته و اقوام فراوانی پدید خواهند آورد.^{115,116} در گزارش تورات و برخلاف خواست قلبی ابراهیم علیه‌السلام، مجرای تحقق همه وعده‌های خدا در مورد جانشینی، وراثت و ازدیاد نسل وی، اسحاق و پس از وی یعقوب علیه‌السلام و پسران او معرفی شده است. (بقره: 141)¹¹⁷ حتی اسحاق به عنوان ذبیح معرفی می‌شود. (صافات: 101 – 113)¹¹⁸ در مقابل، از اسماعیل و فرزندان وی تصویر نسبتاً تیره‌ای ترسیم شده و در یک مورد، به پیدایش دوازده امیر و سرور از میان فرزندان وی و نیز قبایل دوازده‌گانه از آنان اشاره می‌شود.¹¹⁹ بر این اساس، به نظر می‌رسد وعده آمدن اسباط به عنوان پیامبرانی دوازده‌گانه از همان ابتدا توسط ابراهیم علیه‌السلام داده شده بود. تورات بر اساس نگرش جانبدارانه نویسندگان، ضمن نفی پیدایش آنان از میان نوادگان اسماعیل، آنها را همان پسران دوازده‌گانه یعقوب و نیاکان بنی‌اسرائیل می‌داند. این در حالی است که، آیات قرآن و گزارش‌های لغوی، تفسیری و روایی گفته شده نشان می‌دهد که، اسباط دریافت کننده وحی افرادی معین و خاصی¹²⁰ از میان نوادگان یعقوب علیه‌السلام بوده‌اند که افزون بر استمرار نژادی، به اعتبار جانشینی آن حضرت، دنباله معنوی او نیز به شمار می‌رفته‌اند. شمار قابل توجهی از مفسران نیز این دیدگاه را به صراحت¹²¹ یا به صورت یکی از احتمالات¹²² بیان کرده‌اند. آنها به دلایل پیش گفته کسانی غیر از پسران یعقوب علیه‌السلام بوده‌اند.

بر اساس ظاهر آیات مربوط و تصریح برخی احادیث،¹²³ این جانشینان و رهبران الهی پس از حضرت یوسف علیه‌السلام و پیش از حضرت موسی علیه‌السلام در مصر و میان بنی‌اسرائیل رسالت داشته‌اند. توضیح این که، یاد کرد اسباط پس از یعقوب علیه‌السلام و پیش از موسی علیه‌السلام در آیات 136 و 140 سوره بقره: 84 آل عمران و 164 سوره نساء نشان می‌دهد که، اسباط دریافت کننده وحی به احتمال

زیاد در دوره تاریخی پس از یعقوب علیه السلام و پیش از موسی علیه السلام می‌زیسته‌اند. گزارش‌های عهدین،¹²⁴ همچنین آیاتی چون 33 و 65 آل عمران نشان می‌دهد که ترتیب تاریخی، در ذکر نام پیامبران یاد شده در آیات 136 بقره: و 84 آل عمران، رعایت شده است. همچنین نام بردن از اسباط در قالب لفظِ جمع، که مفرد آن یک وصف عام است و پرهیز از ذکر نام یکایک آنها، می‌تواند از پایین بودن مقام و منزلت اسباط نسبت به پیامبران یاد شده حکایت کند. دیدگاه گروهی از خاورشناسان مؤید سخن گفته شده درباره پایین بودن مقام و منزلت آنان است. توضیح اینکه، شماری از خاورشناسان اسباط را «انبیای صغار» مورد اعتقاد یهود می‌دانند که دوازده تن بوده‌اند.¹²⁵ نام آنها، که بعضاً معاصر یکدیگر و همگی از مصتفان عهد عتیق بوده و در دوره تاریخی میان موسی و عیسی علیه السلام می‌زیسته‌اند از این قرار است: هُوشِیع، یهوئیل، عاموس، عُوذیاه، یُوَناه، میکاه، ناخوم، حَبَقُوق، صِفَیْناه، حگی، زِکْرِیاه بن بَرِکیاه و ملاکی. ¹²⁶ البته، دیدگاه خاورشناسان در مورد تطبیق پیامبران یاد شده بر اسباط، درست به نظر نمی‌رسد و با دوره تاریخی یاد شده (پس از یعقوب علیه السلام و پیش از موسی علیه السلام) و نیز گزارش‌های عهد عتیق درباره اسباط سازگاری ندارد. همچنین چنانکه گفته شد، قرآن کریم، یهودی بودن اسباط را نفی می‌کند درحالی‌که پیامبران یاد شده در دوره پس از موسی علیه السلام و از پیامبران یهود بودند.

از آیه 34 سوره غافر برمی‌آید که، در دوره تاریخی پس از حضرت یوسف علیه السلام و پیش از حضرت موسی علیه السلام، هیچ پیامبر بزرگی در میان بنی اسرائیل برانگیخته نشد. تورات نیز با مسکوت گذاشتن این مرحله تاریخی، تنها به مرگ حضرت یوسف علیه السلام و برادرانش در مصر، ازدیاد نسل بنی اسرائیل و آزار و اذیت آنان به دست پادشاهی که نام یوسف علیه السلام را نشنیده بود اشاره کرده، آنگاه با یک جهش تاریخی، بلافاصله پس از پایان سفر تکوین، به سفر خروج و داستان تولد موسی علیه السلام و تلاش‌های وی برای رهایی بنی اسرائیل پرداخته است.¹²⁷ بدیهی است که بنی اسرائیل در دوره نسبتاً طولانی پس از حضرت یوسف علیه السلام تا آمدن حضرت موسی علیه السلام بدون پیشوا و رهبر دینی نبوده‌اند، اما عهد عتیق با مسکوت گذاشتن این موضوع، نیاکان نخست بنی اسرائیل را به عنوان اسباط معرفی کرده است که با چالش‌های جدی یاد شده مواجه است.

7. نتیجه‌گیری

قرآن کریم افزون بر قبایل دوازده‌گانه بنی اسرائیل، از افرادی با عنوان اسباط، نزول وحی بر آنان و لزوم ایمان به آنها یاد و یهودی و نصرانی بودن آنان را نفی می‌کند. این کاربرد مشترک در کنار اثرپذیری شماری از مفسران و مورخان مسلمان از گزارش‌های عهد عتیق، موجب پیدایش اختلاف درباره مصادیق اسباط دریافت‌کننده وحی شده است. پسران دوازده‌گانه یعقوب علیه السلام، قبایل دوازده‌گانه بنی اسرائیل، همه پیامبران مبعوث شده از نسل حضرت یعقوب علیه السلام و اسباط به

عنوان علم خاص، دیدگاه‌های مطرح شده دربارهٔ مصادیق اسباط دریافت کننده وحی است. هر یک از این دیدگاه‌ها، با چالش‌هایی مواجه است. از مجموع گزارش‌های لغوی، تفسیری، روایی و نیز ظاهر آیات مربوط برمی‌آید که، اسباط دریافت کننده وحی، افراد معین و خاصی از میان نوادگان حضرت یعقوب علیه السلام بوده‌اند که افزون بر استمرار نژادی، به اعتبار جانشینی آن حضرت، دنباله معنوی او نیز به شمار می‌رفته‌اند. این جانشینان و رهبران الهی به احتمال بسیار زیاد پس از حضرت یوسف علیه السلام و پیش از حضرت موسی علیه السلام، در مصر و میان بنی‌اسرائیل رسالت داشته‌اند.

..... پی‌نوشت‌ها

1. عبدالله العکبری، *املاء ما من به الرحمن*، ج 1، ص 203؛ عبدالله الحسین العکبری، علی محمد البجاوی، *التبیان فی اعراب القرآن*، ج 1، ص 203؛ سید محمود آلوسی، *روح المعانی*، مج 4، ج 6، ص 26.
2. خلیل بن احمد فراهیدی، *ترتیب العین*، ص 359؛ اسماعیل بن حماد جوهری، *الصحاح*، ج 3، ص 1129؛ ابن اثیر، *النهایه*، ج 2، ص 334، «سبط».
3. راغب اصفهانی، *مفردات*، ص 394؛ ابوهلال العسکری، *الفروق اللغویه*، ص 271؛ حسن مصطفوی، *التحقیق*، ج 5، ص 33، «سبط».
4. خلیل بن احمد فراهیدی، *ترتیب العین*، ج 7، ص 219؛ مجدالدین فیروزآبادی، *القاموس المحیط*، ج 1، ص 903.
5. مجدالدین فیروزآبادی، *القاموس المحیط*، ج 1، ص 903، «سبط».
6. ابوهلال العسکری، *الفروق اللغویه*، ص 271؛ همو، *القاموس المحیط*، ج 2، ص 362؛ زبیدی، *تاج العروس*، ج 10، ص 273.
7. خلیل بن احمد فراهیدی، *ترتیب العین*، ص 359؛ اسماعیل بن حماد جوهری، *الصحاح*، ج 3، ص 1129؛ حسن مصطفوی، *التحقیق*، ج 5، ص 33، «سبط».
8. همو، *الصحاح*، ج 3، ص 1129؛ همو، *التحقیق*، ج 5، ص 35، «سبط».
9. ابوهلال العسکری، *الفروق اللغویه*، ص 271.
10. فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، ج 4، ص 752؛ راغب، *مفردات*، ص 222؛ حسن مصطفوی، *التحقیق*، ج 5، ص 33، «سبط».
11. خلیل بن احمد فراهیدی، *ترتیب العین*، ص 359؛ اسماعیل بن حماد جوهری، *الصحاح*، ج 3، ص 1129؛ فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، ج 2، ص 326، «سبط».
12. کلینی، *الکافی*، ج 1، ص 444؛ سیدرضی، *نهج البلاغه*، خطبه 171؛ شیخ طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج 7، ص 56.
13. ابن منظور، *لسان العرب*، ج 7، ص 310؛ فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، ج 2، ص 326؛ زبیدی، *تاج العروس*، ج 10، ص 273، «سبط».
14. جلال‌الدین السیوطی، *المتوکل*، ص 126 و *الاتقان*، ج 2، ص 316.
15. آرتور جفری، *واژه‌های دخیل*، ترجمه، فریدون بدره‌ای، ص 115؛ مسترهاکس، *قاموس الكتاب المقدس*، ص 455.
16. همو، *واژه‌های دخیل*، ص 115.
17. A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament, P.986 - 987.4-
18. محمد بن جریر طبری، *جامع البیان*، ج 1، ص 789-790؛
19. احمد بن یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ج 1، ص 31؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج 1، ص 190-192؛ علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج 1، ص 43-44.
20. ابن منظور، *لسان العرب*، ج 7، ص 311.
21. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج 5، ص 31-35.
22. آرتور جفری، *واژه‌های دخیل*، ص 114-115.
23. محمد بن جریر طبری، *جامع البیان*؛ شیخ طوسی، *التبیان*؛ فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، «ذیل آیات».
24. احمد بن یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ج 1، ص 31.
25. محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج 1، ص 190-192.
26. علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج 1، ص 43-44.
27. عقیف عبالفتاح طیاره، *مع الانبیاء فی القرآن الکریم*، ص 156.
28. فاضل خان همدانی، *کتاب مقدس*، تکوین باب 29؛ نیز 30: 1-24؛ 35: 16-18، 23-26.
29. کتاب مقدس، تکوین 35: 11؛ 37: 4.
30. همان، تکوین 2: 49 - 28.
31. همان، تکوین 5: 33؛ 7: 34؛ 25: 27.
32. همان، تکوین 29: 47 - 31: 22؛ 48: 22.
33. همان، تکوین 5: 37 - 7: 9.
34. همان، تکوین 2: 37 - 36؛ 38: 15 - 18؛ اعداد 1: 2 - 44؛ 26: 55؛ اخبار اول: 28: 1.

- 35 یوسف: 5 - 9, 15 - 18, 20, 77, 91, 95, 97
- 36 کتاب مقدس، تکوین اعداد 1: 4 - 54: 2; 1 - 34
- 37 همان، 18: 11, 21: 19; 8: 31, 39, 48, 21: 7, 27
- 38 همان، اعداد، 26: 28
- 39 همان، خروج 1 - 30: 2, 31: 6, 35: 30, 34: 38
- 40 همان، اعداد 1: 4 - 54: 2; 1 - 34
- 41 همان، اعداد 1: 47 - 51, 53: 22
- 42 همان، اعداد 1: 32 - 35
- 43 همان، اعداد 26: 53 - 56
- 44 همان، اعداد 1: 4 - 16; اخبار اول 27: 5 - 22
- 45 بطرس عبدالملک، قاموس الكتاب المقدس، ص 70
- 46 کتاب مقدس، شموئیل دوم 2: 4 - 9, 19: 41 - 43
- 47 همان، اخبار دوم 10: 1 - 14
- 48 همان، خروج 28: 21, 39: 14
- 49 بطرس عبدالملک، قاموس الكتاب المقدس، ص 540
- 50 کتاب مقدس، توریة مشنی 1: 22 - 24
- 51 همان، لویان 24: 5; اعداد 7: 84 - 87, 29: 17; عزرا 8: 35
- 52 همان، ملوک اول 4: 7
- 53 همان، ملوک اول 10: 20
- 54 همان، استیر 2: 12
- 55 همان، یوشع 3: 12; 4: 2 - 4, 8: 9; شموئیل دوم 2: 15; ملوک اول 7: 25; 18: 31
- 56 همان، اخبار اول 25: 9 - 31
- 57 بطرس عبدالملک، قاموس الكتاب المقدس، ص 608
- 58 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، انجیل مرّقس 3: 14 - 15; انجیل لوقا 6: 13
- 59 همان، مکاشفات یوحنا 21: 12
- 60 همان، مکاشفات یوحنا 7: 4 - 8
- 61 همان، انجیل متی: 19: 28, 26: 53; مکاشفات یوحنا 7: 5 - 7, 12: 1; 14: 16
- 62 همان، انجیل متی 19: 28
- 63 نامه پولس به عبرانیان، 7: 14
- 64 محمدبن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج 7، ص 303; محمدبن علی شوکانی، فتح القدير، ج 2، ص 255
- 65 فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 4، ص 752; محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 15، ص 33; محمدبن احمد تفسیر قرطبی، ج 7، ص 193
- 66 محمود بن عمر الزمخشری، الکشاف، ج 2، ص 168; محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 15، ص 33; عبدالله بن احمد النسفی، تفسیر نسفی، ج 2، ص 42; حسن مصطفوی، التحقیق، ج 5، ص 35
- 67 حسن مصطفوی، التحقیق، ج 5، ص 35
- 68 محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج 5، ص 7 - 8; فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 4، ص 378; محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 15، ص 32 - 33
- 69 سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 7، ج 12، ص 184; حسن مصطفوی، التحقیق، ج 5، ص 34
- 70 فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 4، ص 754; سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 1، ج 1، ص 271; سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 3، ص 1381
- 71 فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 4، ص 754; محمدبن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج 7، ص 303; ناصر مکارم شیرازی ودیگران، نمونه، ج 5، ص 257

- 72 علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 122؛ مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ج 2، ص 252-253؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 1، ص 392-393.
- 73 نساء: 163 و نیز 164 - 165
- 74 محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 6، ص 37-38؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 3، ص 153؛ محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 11، ص 108.
- 75 سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 5، ص 140 - 141.
- 76 بقره: 133، 140 - 141 / آل عمران: 65 - 68.
- 77 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین 22: 10، 13، 26: 5، 27: 38، 1-50؛ 26: 25؛ 28: 49؛ خروج 1: 7-1.
- 78 بقره: 124 - 133، 135
- 79 بقره: 140 / آل عمران: 67
- 80 احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 31؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج 1، ص 191-192؛ علی ابن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج 1، ص 43-44.
- 81 محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج 1، ص 1، ج 1، ص 789؛ ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار، ج 1، ص 380؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج 1، ص 193.
- 82 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 8، ص 116؛ کمال الدین، ص 216؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج 2، ص 570.
- 83 الشریف المرتضی، تنزیه الانبیاء، ص 68؛ العاملی، الانتصار، ج 4، ص 65؛ محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج 2، ص 336.
- 84 محمود بن عمر الزمخشری، الکشاف، ج 1، ص 195، 197؛ محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 8، ص 132؛ سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 1، ج 1، ص 395.
- 85 محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج 6، ص 69.
- 86 محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج 1، ج 1، ص 438؛ محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج 2، ص 96؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج 1، ص 193.
- 87 محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 1، ص 482؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 1، ص 405؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 11، ص 93-94.
- 88 سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 1، ج 1، ص 621.
- 89 یوسف: 5 - 9، 15، 18، 20، 77، 91، 95، 97.
- 90 الشریف المرتضی، تنزیه الانبیاء، ص 68؛ العاملی، الانتصار، ج 4، ص 65.
- 91 محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 6، ص 101؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 5، ص 324؛ سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 1، ج 1، ص 621.
- 92 الشریف المرتضی، تنزیه الانبیاء، ص 68؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 1، ص 482؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 1، ص 405.
- 93 محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج 6، ص 69؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 11، ص 93.
- 94 محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 1، ص 482؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 1، ص 405؛ سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 1، ج 1، ص 621.
- 95 سید محمود آلوسی، روح المعانی، مج 7، ج 12، ص 277.
- 96 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 8، ص 246؛ محمد بن علی الصدوق، علل الشرایع، ج 1، ص 244؛ کمال الدین، ص 144.
- 97 ابن حجر العسقلانی، فتح الباری، ج 6، ص 298؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج 6، ص 69؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 312.
- 98 محمود بن عمر الزمخشری، الکشاف، ج 1، ص 195؛ محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 4، ص 92؛ کنز الدقایق، ج 2، ص 167.
- 99 حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج 5، ص 31-35.
- 100 سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 3، ص 336.
- 101 محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 1، ص 482؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 3، ص 216.

- 102 برای نمونه ر.ک: احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 442؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج 1، ص 26 و ج 7، ص 345؛ ستقریب التهذیب، ص 98.
- 103 علی بن محمد خزاعی، کفایة الاثر، ص 80؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 312.
- 104 ابوجعفر الطبری الشیعی، دلائل الامامه، ص 78؛ یغمان تمیمی، شرح الاخبار، ج 1، ص 124.
- 105 جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص 453؛ محمد بن الحسن الطوسی، تهذیب، ج 6، ص 83؛ محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ص 517.
- 106 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 8، ص 50؛ محمد بن علی صدوق، الامالی، ص 691؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 3.
- 107 یغمان تمیمی، شرح الاخبار، ج 1، ص 124؛ ج 3، ص 101.
- 108 علی ابن محمد خزاعی، کفایة الاثر، ص 80؛ ابوجعفر محمد الطبری الشیعی، دلائل الامامه، ص 479؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 311.
- 109 محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 111.
- 110 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 516؛ جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص 515؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 284.
- 111 ابوعبدالله احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد، ج 4، ص 172؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج 1، ص 51؛ محمد عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج 5، ص 324.
- 112 علی ابن محمد خزاعی، کفایة الاثر، ص 14، ص 80؛ محمد بن علی شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 259؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 284.
- 113 علی ابن محمد خزاعی، کفایة الاثر، ص 80؛ فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 319؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 17، ص 279.
- 114 هود: 71 - 72 / ابراهیم: 39 / عنکبوت: 27.
- 115 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین 15: 2-5؛ 17: 4-6، 16، 20.
- 116 آل عمران: 33 - 34 / انعام: 84 - 87.
- 117 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین 26: 3-4؛ 27: 23-29، 36-40؛ 35: 11-12.
- 118 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین 22: 2-13.
- 119 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین 16: 12؛ 17: 20.
- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج 2، ص 326؛ سعید بن هبه الله الراوندی، الخرائج والجرائح، ج 2، ص 908.
- 121 محمود بن عمر الزمخشری، الکشاف، ج 1، ص 590؛ محمد عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج 4، ص 92؛ حسن مصطفوی، التحقیق، ج 5، ص 33.
- 122 محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج 6، ص 101؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج 5، ص 390؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 312.
- 123 ابو حمزه ثمالی، تفسیر ابی حمزه، ص 131؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج 2، ص 223.
- 124 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین 16: 15؛ 21: 2-3؛ 25: 25-26؛ 49: 28؛ خروج 2: 10.
- 125 آرتور جفری، واژه های دخیل، ص 115، «اسباط».
- 126 بطرس عبدالملک، قاموس الكتاب المقدس، ص 587، 925.
- 127 فاضل خان همدانی، کتاب مقدس، تکوین، 50: 22-26؛ خروج 1: 22-1

منابع

- نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح، تهران، دارالاسوه، 1415ق.
- ابن اثیر، *النهاية في غريب الحديث والاثار*، به کوشش محمود محمد طناخی و طاهر احمد زاوی، قم، اسماعیلیان، 1367ش.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، قم، کتابفروشی وجدانی، 1356ش.
- ابن ماجه، *سنن ابن ماجه*، به کوشش محمدفوادعبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1395ق.
- ابن منظور، *لسان العرب*، به کوشش علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش یوسف مرعشی، بیروت، دارالمعرفه، چ سوم، 1409ق.
- ابوهلال العسکری، *معجم الفروق اللغویه*، قم، اسلامی، 1412 ق.
- آرتور جفری، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، 1372ش.
- آلوسی، سیدمحمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش محمدحسین عرب، بیروت، دار الفکر، 1417ق.
- ترذی، محمدعیسی، *سنن الترمذی*، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، 1402ق.
- تنزیه الانبیاء، *الشریف المرتضی*، بیروت، دارالاضواء، چ دوم، 1409ق.
- ثمالی، ابوحزه، *تفسیر القرآن الکریم*، گردآوری محمدحسین حرزالدین، به کوشش محمدهادی معرفت، قم، الهادی، 1420ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، به کوشش عبدالغفور العطار، قاهره، 1376 ق.
- حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه اهل البیت، 1412ق
- خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، به کوشش سید عبداللطیف حسین کوه کمره ای، قم، بیدار، 1401ق.
- راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، اول، دمشق، دارالقلم، 1412ق.
- راوندی، سعید بن هبةالله، *الخرائج و الجرائح*، قم، موسسه الامام المهدی، بی تا.
- رشیدالدین میبیدی، ابوالفضل، *کشف الاسرار و عده الابرار*، به کوشش علی اکبر حکمت، تهران، امیر کبیر، چ چهارم، 1361ش.
- رشیدرضا، محمد، *تفسیر المنار*، قاهره، دارالمنار، چ چهارم، 1373ق.
- زبیدی حنفی، مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1414ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، دوم، قم، بلاغت، 1415ق.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، نهم، القاهره، دارالشروق، 1400ق.
- سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1407ق.
- سیوطی، جلال الدین، *المتوکل فیما ورد فی القرآن*، به کوشش عبدالکریم زبیدی، بیروت، دارالبلاغه، 1408 ق.
- شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، به کوشش یوسف البقاعی، بیروت، دارالاضواء، چ دوم، 1412ق.
- شیبانی، ابوعبدالله احمد بن حنبل، *مسند احمد بن حنبل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ سوم، 1415ق.
- صدوق، محمدبن علی، *الامالی*، تهران، اسلامی، چ سوم، 1355ش.
- صدوق، محمدبن علی، *علل الشرایع*، بیروت، اعلمی، 1408ق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی، افسست، قم، اسلامی، 1393ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *الاحتجاج*، نجف، دارالنعمان، 1386ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، افسست، تهران، ناصر خسرو، 1406ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1417ق.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویلات القرآن*، به کوشش صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، 1415 ق.
- طبری شیعی، ابوجعفر محمد، *دلائل الامامه*، به کوشش دراسات الاسلامیه، قم، 1413ق.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، به کوشش محمود عادل و احمد حسینی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم، 1408ق.

- طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، به کوشش احمد حبیب عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- طوسی، محمدبن حسن، *تهذیب الاحکام*، به کوشش محمد جعفر شمس الدین، بیروت، دارالتعارف، 1412 ق.
- طیاره، عقیف عبدالفتاح، *مع الانبیاء فی القرآن الکریم*، قم، الشریف الرضی، 1413 ق.
- العاملی، الانتصار اہم مناظرات فی شبکات الانترنت، بیروت، دارالسیرہ، 1421 ق.
- عسقلانی، ابن حجر، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، دوم، بیروت، دارالمعرفہ، بی تا.
- العکبری، عبدالله الحسین و علی محمد الجاوی، *التبیان فی اعراب القرآن*، بی جا، احیاء الکتب العربیہ، بی تا.
- العکبری، عبدالله، *املاء ما من به الرحمن*، به کوشش ابراہیم عطوہ عوض، تہران، مکتبہ الصادق، چ دوم، 1402 ق.
- فخررازی، محمدعمر، *التفسیر الکبیر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ چهارم، 1413 ق.
- فراہیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، به کوشش محمدحسن بکایی، قم، اسلامی، بی تا.
- فیروزآبادی، مجدالدین، *قاموس المحيط*، به کوشش محمدعبدالرحمن المرعشی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1417 ق.
- قرطبی، محمدبن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چ پنجم، 1417 ق.
- قمی مشہدی، محمدبن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، به کوشش حسین درگاہی، تہران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1411 ق.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمہ فاضل خان ہمدانی، به ہمت انجمن پخش کتب مقدسہ در میان ملل، بی جا، بی تا، 1990.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تہران، دارالکتب اسلامیہ، 1363.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسۃ الوفاء، 1403 ق.
- مسترہاکس، *قاموس کتاب مقدس*، تہران، اساطیر، 1377 ش.
- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، به کوشش مفید محمد قمیجہ، بیروت، دارالکتب العلمیہ، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تہران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374 ش.
- موسوی اصفہانی، محمدتقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، تحقیق سیدعلی عاشور، بیروت، موسسہ الاعلمی للمطبوعات، 1421 ق.
- نعمان التیمی، *شرح الاخبار فی فضائل الانمہ الاطہار*، به کوشش سیدمحمدحسین جلالی، قم، نشر اسلامی، بی تا.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، چ ششم، 1415 ق.
- A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament.